

## The luxury Lifestyle in the Imam Ali's (AS) Hadiths and its civilizational consequences

Jamileh Shukri \*

Received: 2021/06/16

Soraya Ghotbi \*\*

Accepted: 2021/09/05


### Abstract


One of the obstacles to not happen modern Islamic civilization is following luxurious lifestyle. The luxurious lifestyle is included behaviors and habits that based on Self-exaltation, Utilitarianism and etc

The aims of this research is analysis component of luxurious lifestyle in Imam Ali's Hadiths and its civilizational consequences. The method of this research is descriptive- analytical. The most important behavioral components of luxurious lifestyle are not attention to human dignity, nature, wisdom and belief.

Behavioral components of luxurious lifestyle include ambition of superiority and excellence, narcissism, economic privilege and so on. The luxurious lifestyle faces twenty six consequences that included injustice, ignominy, disgrace and tragic fate, misleading, being accountable before the divine justice court, being deprived of blessings, heart blight, spreading mental illness, collapsing the emotional system within the family, dividing etc. Consequences luxurious lifestyle will create many problems in individual and social life.

**Keywords:** modern Islamic civilization, Luxurious Lifestyle, Cognitive Aspect, Behavioral Aspect, Imam Ali's Hadiths

.....  
\* Master of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Shahed University,  
Tehran, I.R. Iran  
mileshekri@gmail.com  0000-0003-4415-5656

\*\* Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities,  
Shahed University, Tehran ,I.R. Iran. (Corresponding Author).  
sghotbi@shahed.ac.ir  0000-0002-6757-1743

## سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) و پیامدهای تمدنی آن

جمילה شکری \*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶

ثریا قطبی \*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴


چکیده

یکی از موانع تحقق تمدن نوین اسلامی، پیروی از سبک زندگی اشرافی است. این نوع سبک زندگی، شیوه‌ای مبتنی بر جهان‌بینی مادی و دنیاگرایانه است که در آن ارزش‌ها و کنش‌های فردی یا گروهی بر اساس معیارهایی از جمله خودبرتربینی و امتیازخواهی صورت می‌پذیرد. هدف از پژوهش حاضر، تحلیل مؤلفه‌های سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) و پیامدهای تمدنی آن است. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که نادیده انگاری کرامت انسانی، عدم شناخت ماهیت دنیا، غفلت از جهان آخرت، عدم خردورزی و باورمندی به برتری طبقه فرادست بر فرودست، از مهم‌ترین مؤلفه‌های شناختی سبک زندگی اشرافی است که در بروز رفتارهای مبتنی بر اشرافی‌گری نقش‌آفرین است. مؤلفه‌های رفتاری سبک زندگی اشرافی، ناظر به رفتارهای عینی از جمله فخرفروشی به اصل و نسب، استفاده از خوردنی‌های رنگارنگ، پوشیدن لباس‌های فاخر، گستردن فرش‌های ابریشمی، ساکن شدن در مناطق اعیان‌نشین، زیاده‌طلبی و غیره است که به‌طور روزمره در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌های اشرافی ظهور می‌یابد تا آنجا که این نوع از سبک زندگی در وجود آن‌ها نهادینه می‌شود. گسترش بی‌عدالتی، حاکمیت نظام سلطه، بیماری‌های روحی، تفرقه، فروپاشی نظام عاطفی، رسوایی، انحراف از مسیر حق، گرفتاری و هلاکت نفس از جمله پیامدهای تمدنی پیروی از سبک زندگی اشرافی است.

**واژگان کلیدی:** تمدن نوین اسلامی، سبک زندگی اشرافی، حوزه‌ی شناختی، حوزه‌ی رفتاری، روایات امام علی (ع).


\* کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

jamileshokri@gmail.com

 0000-0003-4415-5656

\*\* دانشجویار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

sghotbi@shahed.ac.ir

 0000-0002-6757-1743

## مقدمه

پیروی از سبک زندگی اشرافی یکی از چالش‌های اساسی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی یا استمرار آن است. در بعد فرهنگی، این شیوه از زندگی، عاملی بازدارنده، از حرکت به سوی حیات طیبه است و موجب انحراف از مسیر اصلی یا توقف حرکت در راستای تحقق آرمان‌های تمدن نوین اسلامی می‌شود. سبک زندگی اشرافی، نوعی شیوه‌ی زندگی است که در آن الگوهای رفتاری و عادات بر اساس ارزش‌های درونی شده مبتنی بر جهان‌بینی مادی بنا شده است. این نوع از سبک زندگی به لحاظ نظری، معلول باورها و ارزش‌های مبتنی بر دنیاگرایی است. سبک زندگی اشرافی از آن جهت که سبک است کنش‌ها و عادت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و از آن جهت که اشرافی است با باورها و ارزش‌های مبتنی بر امتیاز طلبی، برتری‌جویی و رفاه‌زدگی در ارتباط است. نظام واره سبک زندگی اشرافی، دربرگیرنده‌ی باورها و عواطف به صورت سازه‌های ذهنی و رفتارهای عینی نهادینه شده است. پیروی از سبک زندگی اشرافی، زمینه را برای رواج بی‌بندوباری (حکیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱،۳)، بی‌عدالتی، فقر و محرومیت در لایه‌های مختلف اجتماع فراهم می‌آورد (عادل، ۱۳۹۱، ص ۷). دنباله‌روی از سبک زندگی اشرافی، عاملی بازدارنده در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی یا استمرار آن خواهد بود. از آنجا که بازخوانی روایات معصومان (ع) به منظور شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های سبک زندگی اشرافی موجب درک عمیق‌تر آن می‌شود. پژوهش حاضر بر آن است تا با مبنا قرار دادن روایات امام علی (ع)، مؤلفه‌های سبک زندگی اشرافی و پیامدهای حاصل از آن را مورد بررسی قرار داده و به این سؤال پاسخ دهد که سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) به چه صورتی است و پیامدهای تمدنی آنچه می‌باشد؟

### ۱. پیشینه‌ی تحقیق

مرور پژوهش‌های مرتبط با موضوع سبک زندگی اشرافی و پیامدهای تمدنی آن نشان می‌دهد، هرچند پژوهش‌هایی درباره‌ی این موضوع انجام شده است؛ از جمله آن که عدلی

(۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «شیوه‌های مقابله با اشرافیت از دیدگاه امام علی (ع)» و اشرفی (۱۳۹۲) در مقاله‌ی خود با عنوان «اشرافی‌گری، سبکی ناپسند برای زندگی (با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری)» سبک زندگی اشرافی را از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار دادند؛ همچنین عشایری، عباسی و نامیان (۱۳۹۷) در مقاله‌ی خود با عنوان «تحلیل تاریخی - جامعه‌شناختی پایان تمدن‌های انسانی با تأکید بر نهج‌البلاغه» بسترهای تاریخی - جامعه‌شناختی فروپاشی تمدن‌های انسانی را مطالعه کرده و نتیجه گرفته‌اند که عمده‌ترین علل فروپاشی تمدن‌های بشری، در بعد جامعه‌شناختی رواج بی‌عدالتی اجتماعی، فساد اجتماعی، نابرابری اجتماعی و مصرف‌گرایی است و سقای بی‌ریا (۱۳۹۸) در مقاله‌ی خود با عنوان مقایسه‌ی «سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء و طاغوتیان از دیدگاه قرآن» سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء و سنن اجتماعی طاغوتیان را از دیدگاه قرآن کریم مورد مطالعه قرار داده است؛ اما این مطالعات عمدتاً بر شیوه‌های مقابله با اشرافیت متمرکز بوده و در هیچ‌یک از پژوهش‌های فوق، مؤلفه‌های سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) مورد توجه قرار نگرفته است.

## ۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و با مطالعه‌ی اسنادی و روش تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته است. در مرحله‌ی آماده‌سازی و سازمان‌دهی، دانش‌نامه‌ی امیرالمؤمنین (ع) بر پایه‌ی قرآن، حدیث و تاریخ از آقای محمدی ری‌شهری در ۱۴ جلد مورد بررسی قرار گرفت و روایات موجود در آن بر اساس هدف و سؤال اصلی تحقیق جمع‌آوری شد. در مرحله‌ی بررسی پیام، رمزگذاری صورت گرفت. واحد تحلیل مضمون که واحدهای معنادار موجود در جملات روایات امام علی (ع) بود، با روش تحلیل محتوای استقرایی جمله به جمله مطالعه و کدگذاری شد و بر اساس محتوای مرتبط با موضوع، شباهت‌ها و تمایزهای آن طبقه‌بندی صورت گرفت و مفاهیمی شناسایی و مقوله‌بندی شد که از نظر خصوصیات سبک زندگی اشرافی دارای همسانی و مشابهت بودند. مؤلفه‌های ملاک، با در نظر گرفتن

جامعیت (دربر گرفتن تمام واحدها) و مانعیت (واحدهای جداکننده از سایر مؤلفه‌ها) در راستای هدف تحقیق تعیین شد و درنهایت، با برقراری ارتباط بین طبقات، تم اصلی فراهم آمد. در مرحله‌ی پردازش نیز به بحث و تفسیر نتایج پرداخته شد. مراحل انجام تحقیق شامل شناسایی و گردآوری منابع متون مرتبط با مسئله‌ی پژوهش، استخراج روایات امام علی (ع) مربوط به سبک زندگی اشرافی، طبقه‌بندی روایات استخراج‌شده و درنهایت پاسخ به سؤال تحقیق بوده است. پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و با مطالعه‌ی اسنادی و روش تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته است.

### ۳. سبک زندگی اشرافی

الف) سبک زندگی: سبک در لغت به معنای گذاختن زر و سیم یا مانند آن و در قالب ریختن آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۸۷) که با «سیره» به معنای طریقه، هیأت و حالت (ابن فارس ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۲۰-۱۲۱) و «اسلوب» به معنای راه (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۴) و روش (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴، ص ۹) نزدیکی معنایی دارد. سبک زندگی، شیوه‌ی زندگی فردی یا گروهی در چارچوب خاص مبتی بر ارزش‌های درونی شده و برآمده از الگوهای رفتاری و عادت‌ها است. این مفهوم همچون سایر مفاهیم مدرن، ذیل گفتمان تجدد مطرح می‌شود. سبک زندگی شامل نظام ارتباطی، نظام معیشتی، تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، توجه به مد، جلوه‌های عینی، شأن و منزلت، استفاده از محصولات، تکنولوژیک، نحوه‌ی استفاده از صنایع فرهنگی، نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند دین، خانواده، میهن، هنر، ورزش و امثال آن می‌باشد. (مهدوی کنی، ۱۳۹۰، ص ۴۶)

ب) اشرافی: واژه‌ی «اشرافی» منسوب به اشراف است. شرف در لغت به معنای مکان بلند است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۷۵) و کرامت پدران و اجداد را نیز شرف می‌نامند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۶۹،۹) در قرآن و روایات واژه‌ی «اشرافی» به کار نرفته اما می‌توان گفت این کلمه به معنای امروزی آن را با واژگانی مانند «ملاء» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱،

ص ۱۵۹) و «مترف» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۷) مرتبط است. ملاً به گروهی اطلاق می‌شود که شکوه و ظاهرشان چشم دیگران را پر کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۶) و در مال یا شهرت نسبت به سایرین برتر به نظر می‌رسند. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۱۵۵) آن‌ها از چهره‌های شناخته‌شده و از خواص به شمار می‌آیند. (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۲۰۹) مترف نیز نعمت زدگانی هستند که غرق در لذت‌های دنیا و شهوت‌های آن هستند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۷) و باوجود این که همت اندکی دارند، اما از زندگی پرنوازونعمتی برخوردار هستند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۱۴) این افراد هر کاری را که بخواهند انجام می‌دهند، بدون آن‌که کسی آن‌ها را از ارتکاب آن بازدارد (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۱۹۳). واژگان «بطر» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۲۲)، «أشر» (همان، ج ۶، ص ۲۸۴) و «مرح» (همان، ج ۳، ص ۲۲۵) نیز با مفهوم اشرافی نزدیکی معنایی دارد.

ج) سبک زندگی اشرافی: شیوه‌ای از زندگی مبتنی بر ارزش‌های فردی یا گروهی دنیاگراانه است که کنش‌ها و عادت‌های رفتاری مانند فزون‌خواهی، برتری‌جویی و امتیاز طلبی موجب تمایز این نوع سبک زندگی از دیگر سبک‌ها می‌شود. سبک زندگی اشرافی برخاسته از جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه و سودمحورانه‌ی حاکم بر فرد یا گروه خاصی از افراد جامعه است. سبک زندگی اشرافی را می‌توان کنشی برتری‌جویانه‌ی متکی بر اصل و نسب خانوادگی، ثروت، نژاد، رنگ پوست، قومیت، تحصیلات، مکان زندگی، زبان، امکانات رفاهی و فرمانروایی دانست، به طوری که این نوع از منش در وجود برخی به‌عنوان یک نظام معنایی پایدار شده و در رفتار آن‌ها نمود می‌یابد.

د) مؤلفه‌های شناختی: مؤلفه‌های شناختی ناظر به مفاهیم درونی شده‌ای است که خود مستقیماً وظیفه رفتاری نیستند، اما در لایه‌های زیرین اعتقادی حضور داشته و به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز عواطف و رفتارهای انسان دارند. (قطبی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۳۷)

ه) مؤلفه‌های عاطفی

مؤلفه‌های عاطفی بخشی از نگرش انسان است که ناظر به احساسات آدمی نسبت به یک موضوع می‌باشد. (قطبی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۳۷)

و) مؤلفه‌های رفتاری

مؤلفه‌های رفتاری، نتیجه‌ی بینش‌ها و گرایش‌های انسان است که ناظر به عینی‌ترین سطح زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد. (خاشعی، ۱۳۹۵، ص ۲۷)

### ۳. یافته‌های پژوهش

برای استخراج مؤلفه‌های سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع)، ابتدا روایات موجود در دانش‌نامه‌ی امیرالمؤمنین (ع) بر پایه‌ی قرآن، حدیث و تاریخ از محمدی ری‌شهری در ۱۴ جلد مرور شد و مضامین سازنده‌ی سبک زندگی اشرافی و پیامدهای تمدنی آن به‌دقت مطالعه و استخراج شد. برای تحلیل محتوای روایات امام علی (ع) از سه شیوه‌ی تحلیلی استفاده‌شده است. اولین شیوه، مفهوم‌پردازی بوده است. سپس در سطح میانی، مقوله‌بندی مفاهیم و استنباط مقوله‌های اصلی صورت پذیرفته و سپس مقولات اساسی تعیین‌شده است. هریک از این شیوه‌های تحلیلی به‌هم‌پیوسته بوده است. در مرحله‌ی مفهوم‌پردازی که با روش تحلیل محتوای کیفی انجام‌شده، روایات جمع‌آوری‌شده از امام علی (ع)، مورد تحلیل قرار گرفته و به مفاهیم جداگانه‌ای پردازش‌شده است. لازم به ذکر است به علت عدم گنجایش مقاله، از ذکر متن عربی روایات صرف‌نظر شده است.

### ۳-۱. توصیف یافته‌ها

در جدول شماره‌ی (۱)، ستون اول به نشان‌گرها، ستون دوم به ترجمه‌ی روایت و آدرس و ستون سوم به رمزگذاری اختصاص‌یافته است. در این مرحله، تک‌تک روایات امام علی (ع) به‌دقت بررسی شد و روایاتی که بیانگر مفهوم مرتبط با سبک زندگی اشرافی است، مشخص گردید. لازم به ذکر است، مفاهیم برخاسته از روایات امام علی (ع) در سبک زندگی اشرافی و پیامدهای تمدنی آن دارای ویژگی‌های مشترک هستند.

جدول (۱): مؤلفه‌های سبک زندگی اشرافی و پیامدهای تمدنی آن در روایات امام علی(ع)

نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
P <sub>۱</sub>	آری. به خدا سوگند، آن را شنیدند و فهمیدند؛ لیکن دنیا در دیده‌شان زیبا آمد و زینت‌هایش در چشمانشان بدرخشید (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۷)	(a) سرمستی در لذات دنیا و مجذوب شدن به آن (b) ارزشمند پنداشتن ظواهر دنیا
P <sub>۲</sub>	بدانید هر زمینی که عثمان آن را بخشید و هر ثروتی که آن را از اموال خداوندی هدیه کرد، به بیت‌المال بازمی‌گردد؛ چراکه حقوق گذشته را چیزی از میان نمی‌برد و اگر این ثروت‌ها را بیابم درحالی‌که مهریه‌ی زنان شده یا در شهرها توزیع شده است، به جایگاهش بازمی‌گردانم؛ چراکه عدالت را گشایشی است و هر آن‌کس که عدالت برایش تنگ باشد، ستم بر او تنگ‌تر خواهد بود (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۸۸)	(a) تبدیل بیت‌المال به خزانه سلطانی (b) محروم کردن مردم از حقوق خویش (c) گسترش بی‌عدالتی (d) قرار دادن دیگران در تنگنای مادی
P <sub>۳</sub>	...تنگ‌دستی گرسنه نماند، مگر از آن‌رو که توانگری بهره‌مند شد... (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۱۴)	(a) محروم کردن مردم از حقوق خویش (b) گسترش بی‌عدالتی
P <sub>۴</sub>	...مبادا فردا مردانی از شما که در لذت‌های دنیا غرقه گشتند، بُستان‌ها برگرفتند، نه‌ها جاری ساختند، بر اسبان چالاک سوار شدند و کنیزکان زیباروی برگرفتند که بر آنان، ننگ و عار شد وقتی که آنان را از آنچه در آن غوطه‌ور شدند، بازداشتیم و به حقوقی که می‌شناسند، بازشان گرداندم، از من خُرده گیرند و مپسندند و بگویند: پسر ابوطالب، ما را از حقوق خویش، محروم ساخت (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۵۴۰)	(a) امتیازخواهی اقتصادی (b) زدن برچسب‌های ناروا به حاکمان عدل و مخالفین خود (c) سرمستی در لذات دنیا و مجذوب شدن به آن (d) مقاومت در بازگرداندن اموال به‌ناحق غصب شده (e) آگاهی از حقوق مردم و پشت پا زدن به آن (f) انکار، کتمان و ضایع کردن حق (g) عیب‌جویی (h) گرفتن قیافه‌ی حق‌به‌جانب



نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
		i) خواری، رسوایی و عاقبت نافرجام
P۵	عدالت را شناختند و دیدند و شنیدند و آن را دریافتند و دانستند که مردم، نزد ما در حق، برابرند؛ اما گریختند به سوی برتری‌جویی و امتیاز طلبی. پس دور باشند از رحمت خدا (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵)، (محمدی ری‌شهری، ج ۴، ص ۱۳۸).	a) تفاخر و برتری‌جویی b) انحصارگرایی
P۶	خداوند سبجان روزی تهی‌دستان را در مال‌های توانگران واجب کرد. پس تهی‌دستی گرسنه نماند جز آن‌که توانگری از حق او بهره بُرد و خداوند توانگران را در این امر بازخواست می‌کند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۴۲).	a) محروم کردن مردم از حقوق خویش b) بازخواست شدن در دادگاه عدل الهی
P۷	خداوند واجب کرد در ثروت توانگران، به اندازه‌ای که تهی‌دستان را کفایت کند. اگر تهی‌دستان گرسنه و برهنه بمانند، باید در جلوگیری از توانگران تلاش کنند. سزاست که خداوند روز رستاخیز توانگران را حسابرسی کند و آنان را بر این کار عذاب کند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۴۲).	a) قرار دادن دیگران در تنگنای مادی b) محروم کردن مردم از حقوق خویش c) گسترش بی‌عدالتی d) بازخواست شدن در دادگاه عدل الهی
P۸	... مبادا فرورفتن در نعمت، تو را از آنان [طبقه پایین‌دست از مردم] بازدارد... به کارهای کسی که به تو دسترس ندارد، بنگر. آنان که دیده‌ها خوارشان شمارند و مردم، تحقیرشان کنند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۴۴)	a) بی‌توجهی به طبقه‌ی پایین‌دست b) تحقیر طبقه‌ی پایین‌دست
P۹	امام علی علیه‌السلام به شریح: در حال تأخیرکنندگان در پرداخت حقوق مردم از توانمندان و بی‌نیازان، که ثروت‌های مسلمانان را در اختیار حکمرانان می‌نهند، بنگر. پس حقوق مردم را از آنان بستان و خانه‌ها و مستغلات را بفروش که از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: « تأخیر مسلمان توانمند، ستم بر مسلمان است، و آن‌که مستغلات و خانه و ثروت ندارد، جبری بر او نیست. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۳۰).	a) محروم کردن مردم از حقوق خویش b) گسترش بی‌عدالتی

نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
P۱۰	«به خدا سوگند، اگر بر ابن منیه و ابن ابی ربیعہ دست یابم، ثروتشان را جزو اموال خداوند عزوجل قرار می‌دهم». سپس فرمود: «به من خبر رسیده است که ابن منیه، ده هزار دینار در راه جنگ با من خرج کرده است. از کجا ده هزار دینار آورده است؟ آن‌ها را از یمن دزدیده و [بدین‌جا] آورده است. اگر او را بیابم، بدانچه اقرار کند، مؤاخذه‌اش خواهم نمود». (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۵۴۷).	(a) سرکشی علیه حکومت عدل (b) خواری، رسوایی و عاقبت (c) تجاوز به اموال مردم و مصرف آن در راه رسیدن به قدرت
P۱۱	حنان بن سدید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: «مردمانی از بصره نزد من آمدند و درباره‌ی طلحه و زبیر از من پرسیدند. به آنان گفتم: آن‌دو از پیشوایان کفر بودند. به‌راستی که علی علیه‌السلام در جنگ بصره، هنگامی که سواران (سواره‌نظام) را آماده ساخت، به یارانش فرمود: «در جنگ با این گروه، شتاب مکنید تا نزد خود و خداوند عزوجل و آنان، عذری داشته باشم». سپس به‌سوی آنان رفت و فرمود: «...ای بصریان! آیا دریافته‌اید که در حکمی ستم روا داشته‌ام؟». گفتند: نه. فرمود: «آیا در تقسیم ثروت، جفا کرده‌ام؟». گفتند: نه. فرمود: «آیا حکومت را از روی علاقه به دنیا برای خود و خاندانم به دست گرفتم که شما بر من خُرده گرفتید و بیعت با من را شکستید؟». گفتند: نه. فرمود: «آیا حدود الهی را بر شما جاری ساختم و بر دیگران جاری نساختم؟». گفتند: نه. فرمود: «پس چرا بیعت من شکسته می‌شود و بیعت دیگران، شکسته نمی‌شود؟! من به‌خوبی در این‌کار نگرستم و آن‌را شکافتم و جز کفر یا طغیانگری چیزی در آن ندیدم». (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۱۷۸)	(a) امتیاز طلبی در قانون (b) امتیاز طلبی اقتصادی (c) طمع‌ورزی برای کسب قدرت در جهت دست‌یابی به منافع مادی (d) منفعت‌طلبی با اولویت‌بخشی به خود و خانواده (e) امتیاز طلبی در اجرای حکم (f) انکار، کتمان و ضایع کردن حق (g) سرکشی علیه حکومت عدل
P۱۲	...بدانید که بیشترین هراس من بر شما، پیروی از هوا و هوس و آرزوهای طولانی است؛ زیرا که پیروی هوا و هوس، از حق بازمی‌دارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد می‌برد. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۷۴)	(a) پیروی از امیال نفس (b) نادیده گرفتن آخرت (c) انکار، کتمان و ضایع کردن حق
P۱۳	امام علی(ع) در نامه‌اش به معاویه: سبحان الله! چه سخت به هوس‌های بدعت‌آلود، گرفتاری و به سرگردانی پیروی شده، دچاری: با تباه ساختن حقیقت‌ها و کنار نهادن وثیقه‌هایی که خواسته‌ی خداوند است و حجت او در برابر بندگانش.	(a) پیروی از تمایلات نفسانی (b) انکار، کتمان و ضایع کردن حق (c) نادیده گرفتن پیمان الهی

نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
	(محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۲۲)	
P۱۴	برگرفته از نامه‌ی امام علی(ع) به معاویه: ...تو دنیا و دگرگون ساختن اهل خویش و سرگذشتش را دیده‌ای. بهترین ماندگاری‌های دنیا، همان است که در گذشته، به بندگان راستی پیشه رسید. و هر که [حقیقتِ حال] دنیا را بسانِ فراموشیِ آخرت، فراموش کند، میان آن دو فاصله‌ای دور می‌یابد. ای معاویه! بدان که مدعی امری شده‌ای که شایسته آن نیستی، نه در سابقه [ی مسلمانی] و نه در امر خلافت. بر این ادعا، هیچ دلیل روشنی اقامه نمی‌کنی که نشانگر منزلت تو باشد و نیز بر آن، هیچ گواهی از کتاب خدا یا عهدی از پیامبر خدا، که ادعای آن وزی، نداری. پس چه خواهی کرد آن‌گاه که جامه تعلقات دنیاییات برگنده شود؛ دنیایی که به زینت آن شادمانی و به لذتش پشت‌گرم؛ و در آن با دشمنی سرسخت و ابرام‌پیشه و گذاشته شده‌ای، جز آن که دنیا خویشتن را به نفس تو عرضه کرده و تو را به خود فرا خوانده و تو اجابتش کرده‌ای، و راحت بُرده و تو پیروی‌اش نموده‌ای، و فرمانت داده و تو فرمانش بُرده‌ای. پس این امر را فرو گذار و برای [روز] حساب، ساز و برگ فراهم کن، که زود است کسی (مأمور الهی) تو را بر غذایی متوقف سازد که هیچ سپری نتواند تو را از آن حفظ کند. (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۶۸)	a) عدم شناخت ماهیت دنیا b) نادیده گرفتن آخرت c) ادعای شایستگی برای کسب قدرت d) نیکو پنداشتن مظاهر دنیا e) سرمستی در لذات دنیا و مجذوب شدن به آن f) توجه به وسوسه‌های شیطان و فراهم آوردن زمینه‌های نفوذ آن g) پیروی از تمایلات نفسانی h) بازخواست شدن در دادگاه عدل الهی
P۱۵	برگرفته از نامه‌ی امام علی(ع) به معاویه: به راستی دنیا، [آدمی را] از هر چیز، جز خود بازمی‌دارد و دنیادار هیچ بهره‌ای از آن نمی‌برد، مگر آن‌که دنیا دروازه‌های آزمندی و شیفتگی به خویش را بر او می‌گشاید. هرگز دنیادار به سبب آنچه از دنیا نصیب برده، از آنچه نصیب نبرده، بی‌نیاز نمی‌شود و در پی این همه، باید از آنچه گردآورده، جدا شود و آنچه را استوار ساخته، فروپاشد. اگر از آنچه گذشته، عبرت گیری، در آنچه باقی مانده، خود را نگه خواهی داشت. (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۷۲)	a) آزمندی b) حرص ورزیدن برای بهره‌مندی افزون‌تر از متاع دنیوی c) عدم شناخت ماهیت دنیا d) نادیده گرفتن آخرت
P۱۶	برگرفته از نامه‌ی امام علی(ع) به معاویه: خدای منزّه، دنیا را برای پس‌ازآن (آخرت) آفریده و در آن، اهلش را به آزمون کشانیده تا	a) عدم آگاهی از امتحان بودن بهره‌مندی‌های دنیوی

نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
	<p>معلوم شود که کدامین ایشان، نیک‌کردارتر است. ما برای دنیا آفریده نشده‌ایم و به کوشش در [راه] آن مأمور نگشته‌ایم. جز این نیست که ما در دنیا نهاده شده‌ایم تا با آن آزموده شویم. همانا خداوند مرا به تو، و تو را به من مبتلا ساخته و یکی از ما را بر دیگری حجت قرار داده است. تو در طلب دنیا، به تأویل قرآن شتافتی و از من بازخواست جنانی را کردی که دست و زبانم به آن آلوده نشده است. و تو و شامیان برای سرپیچی از من، خدا را عصیان کردید؛ دانایتان نادانان را برانگیخت و ایستاده‌تان [نیز] نشسته‌تان را (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۷۲)</p>	<p>(b) زدن برچسب‌های ناروا به حاکمان عدل و مخالفین خود (c) عدم شناخت ماهیت دنیا</p>
P۱۷	<p>برگرفته از نامه‌ی امام علی (ع) به معاویه: ...تو را هنگام آن رسیده که با تیزی، از امور آشکار سود ببری. تو با ادعاهای نادرست و این‌که بی‌پروا خود را در فریب‌ها و دروغ‌ها درافتندی، به همان راه پیشینیان رفتی؛ آنچه را از مرتبه تو برتر است، به خود برستی، اموالی را که نزد تو سپرده شده بود، ربودی؛ و این‌همه را برای گریز از حق و انکار آنچه از گوشت و خونت با تو پیوسته‌تر است و [هنوز] گوشت از آن آکنده و سینه‌ات از آن لبریز است، انجام دادی. پس، از پی حق چیست، جز گمراهی آشکار؟ و از پی روشنی [حق] چیست، جز آمیختن [حق به باطل]؟ (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۷۴)</p>	<p>(a) پایبندی به سنت‌های جاهلی (b) ادعای شایستگی برای کسب قدرت (c) تفاخر و برتری‌جویی (d) تبدیل بیت‌المال به خزانه‌ی سلطانی (e) انکار، کتمان و ضایع کردن حق (f) آمیختن حق به باطل (g) گمراهی</p>
P۱۸	<p>برگرفته از نامه‌ی امام علی (ع) به معاویه: ...نامه‌ات به ما رسید که [در آن] سخن‌آرایی کرده‌ای، مثل‌هایی زده‌ای، کارهایی را به خودت نسبت داده‌ای و به وصف حکمت پرداخته‌ای، حال‌آنکه اهل آن نیستی؛ و تقوا را یاد آورده‌ای، درحالی‌که با آن در ستیزی. از خواهش نفس پیروی کرده‌ای و آن، تو را از راه راست، رویگردان کرده و از طریق صواب، بازت گردانده است. تو دامن لذت‌فتنه‌ها را فرا کشیده‌ای و به زیبایی دنیا گرفتار آمده‌ای، گویی ایمان نداری که روز رستاخیز می‌آید و باز همه در جایی گرد می‌آیند. تاج بر نهادی، جامه خز بر تن کردی، فرش ابریشمین گستردی و این، شیوه امپراتوران روم و شاهان ایران است. آن‌گاه، این نیز تو را بس</p>	<p>(a) سخن گفتن از فضایل خود و عدم پایبندی به آن (b) پیروی از تمایلات نفسانی (c) منحرف شدن از راه راست (d) سرمستی در لذات دنیا و مجذوب شدن به آن (e) نادیده گرفتن آخرت (f) پوشیدن لباس‌های فاخر (g) گستردن فرش‌های ابریشمی (h) زندگی به شیوه‌ی</p>

نکات کلیدی	ترجمه روایت و آدرس	نشان‌گر
<p>امپراتوران، شاهان و فرعونیان                      (i) عدم میل باطنی به مردمی بودن                      (j) تفاخر و برتری‌جویی</p>	<p>نیفتاد، چندان که خبر یافته‌ام حکومت را پس از خود، برای کس دیگری مقرر کرده‌ای. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۱۰۲)</p>	
<p>(a) عدم شناخت ماهیت دنیا                      (b) نادیده گرفتن آخرت                      (c) توجه به وسوسه‌های شیطان و فراهم آوردن زمینه‌های نفوذ آن                      (d) پیروی از تمایلات نفسانی                      (e) حرف‌شنوی از گمراهان                      (f) خواری، رسوایی و عاقبت نافرجام (g) برخورداری حداکثری از ناز و نعمت دنیوی                      (h) وانمود پیشینه‌ی کهن و شرافت والا</p>	<p>برگرفته از نامه‌ی امام علی (ع) به معاویه:                      ...چه خواهی کرد آن هنگام که پرده‌های دنیایی که در آنی، از پیش رویت برداشته شود؛ دنیایی که به آرایه‌هایش شادمان شده‌ای و با لذت‌ش فریفته گشته‌ای، تو را فراخوانده و دعوتش را پذیرفته‌ای، پیشرویت گشته و تو [نیز] از او پیروی کرده‌ای، تو را فرمان داده و تو از وی فرمان بُرده‌ای؟ زود است که نگاه‌دارنده‌ای تو را بر حالی نگه دارد که هیچ نجات‌بخشی نتواند از آن رهایی‌ات دهد. پس، از این امر (ادعای خلافت) دست‌بردار، خود را برای حسابرسی آماده‌ساز، برای آنچه بر تو فرود آمده (پیروی و مقدمات مرگ)، دامن [آمادگی] به کمر زن و گوش خویش را بر گفتار گمراهان وا مگشا؛ و اگر چنین نکنی، تو را از [عواقب] غفلتی که از خویش کرده‌ای، آگاه خواهم کرد. همانا تو در ناز و نعمت فرورفته‌ای و شیطان در تو راه یافته و به آرزوی خود رسیده و همانند جان و خون، در وجود تو جاری شده است. ای معاویه! شما (بنی امیه) چه هنگام، حکمرانان مردم و زمامداران این امت بوده‌اید، حال آن که نه پیشینه‌ای کهن [در دین‌داری] دارید و نه شرافتی والا؟ به خدا پناه می‌بریم از همراهی با پیشینه بدبختی، و هشدارت می‌دهم از این‌که همواره فریفته آرزوها گردی و آشکار و نهانت دو گونه باشد. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۱۰۶)</p>	<p>P۱۹</p>
<p>(a) درگیری برای دستیابی به مطامع دنیا (b) عدم شناخت ماهیت دنیا                      (c) سرمستی در لذات دنیا و</p>	<p>... زنهار که از دل‌بستگی دنیاداران به دنیا و کشاکش ایشان بر سر آن، فریب نخوری، که خداوند تو را از آن خبر داده و خود دنیا نیز خوشتن را برایت وصف کرده و از زشتی‌هایش پرده برگرفته است. پس جز این نیست که دنیاطلبان، همچون سگانی هستند که زوزه</p>	<p>P۲۰</p>

نکات کلیدی	ترجمه روایت و آدرس	نشان‌گر
<p>مجذوب شدن به آن                      (d) غفلت از ضرورت بازداشتن نفس از غوطه ور شدن در مطامع دنیوی                      (e) منحرف شدن از راه راست                      (f) دچار شدن به حیرت و سرگردانی (g) حاکمیت نظام سلطه                      (h) غفلت از اصل کرامت انسانی                      (i) عدم خردورزی                      (j) پیروی از تمایلات نفسانی</p>	<p>می‌کشند و همانند درندگان‌اند که به دنبال شکارند و از روی خشم بر یکدیگر بانگ برمی‌آورند و توانا ترشان، ناتوان را می‌دزد و بزرگ ترشان، بر خردتر چیره می‌شود؛ ستورانی هستند برخی مهارگسسته و برخی رهائنده که عقل‌هایشان را از کف داده‌اند و به بیراهه رهسپارند و در بیابانی دشوار، رهائنده‌اند تا گیاه آفت و زیان را بچرند؛ شبانی ندارند که نگاهبان‌شان باشد یا بچران‌شان! دنیا، ایشان را به کوره‌راه می‌برد و دیدگان‌شان را از فروغ هدایت برمی‌بندد. پس در سرگشتگی دنیا آواره‌اند و در نعمتش غرقه‌اند و آن را صاحب‌اختیار خویش شمرده‌اند. دنیا با ایشان بازی می‌کند و آنان با آن سرگرم بازی‌اند و ماورای آن را فراموش کرده‌اند. (محمدی‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۲۲۰)</p>	
<p>(a) آزمندی                      (b) عدم شناخت ماهیت دنیا</p>	<p>برگرفته از نامه‌ی امام علی (ع) به عمرو بن عاص:                      ...به‌راستی دنیا، [آدمی را] از هر چیز جز خودش بازمی‌دارد و دنیادار، هیچ بهره‌ای از آن نمی‌گیرد، مگر این‌که [دریچه‌ی] طمعی [تازه] به رویش می‌گشاید که میل به دنیا را در او می‌افزاید و هرگز وی با آنچه به دست آورده، از آنچه به دست نیاورده، بی‌نیاز نمی‌شود؛ و در پس این‌همه، باید آنچه را گردآورده ترک کند. (محمدی‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۲۶۴)</p>	P۲۱
<p>(a) دنیاگرایی با پوشش دین‌خواهی و آخرت‌جویی</p>	<p>...در میان آنان کسی هست که با کار آخرت، دنیا را می‌جوید و با کار دنیا آخرت را نمی‌طلبد. (محمدی‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۱۲)</p>	P۲۲
<p>(a) تحقیر دیگران                      (b) خودشیفتگی                      (c) تفاخر و برتری‌جویی                      (d) ریاست‌طلبی                      (e) سرکشی علیه حکومت عدل</p>	<p>امام علی (ع) پیش از آن‌که جریر بن عبد الله جدا شود، درباره‌ی وی گفته بود:                      اما این مرد خشن در جاهلیت (یعنی جریر بن عبد الله بجلي)، او همه را پایین‌تر از خود می‌پندارد و همه را کوچک شمرده، تحقیر می‌کند. او لبریز از آتش است، در عین حال، در پی ریاست و حکومت است. و این یک چشم (یعنی اشعث)، او را گمراه ساخته به طغیان می‌کشاند. اگر سخنی با وی بگویند، دروغ می‌گوید و اگر به پای او</p>	P۲۳

نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
	ایستادگی کند، تنه‌ایش می‌گذارد. این دو مثل شیطان‌اند. «که به انسان گفت: کافر شو، و چون کافر شد، گفت من از تو بیزارم. من از خداوند پروردگار جهانیان بیمناکم. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۷)	
P۲۴	...و مگو که فرماندارم و فرمان می‌دهم و باید از من پیروی کنند، که این اندیشه، مایه‌ی تباهی دل و کاهش دین و نزدیک شدن به فتنه‌هاست. پس از گرفتار شدن در بدبختی به خداوند پناه ببر. و هرگاه که از این حکومت و ریاست خورشید آمد و برای تو خودپسندی (و عجب) پیش آورد، به وسعت و عظمت فرمانروایی خدا که بالادست توست بنگر و این‌که او بر تو قدرتی دارد که خودت بر خویشتن نداری. این نگاه، کبر و غرور تو را فرومی‌نشاند و تو را از تندلی بازمی‌دارد و آنچه از عقلت از سرت پریده، به سوی تو بازمی‌گرداند. مبدا در عظمت الهی با او به رقابت‌پردازی یا در شکوه و قدرت خود را به او همانندسازی، که خداوند هر جباری را خوار و هر گردنکش فخرفروشی را زبون می‌سازد (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۸)	<p>(a) ریاست‌طلبی</p> <p>(b) تباهی دل</p> <p>(c) کاهش یا نابودی دین</p> <p>(d) نزدیک شدن به فتنه‌ها</p> <p>(e) گرفتار شدن به بدبختی</p> <p>(f) خودشیفتگی</p> <p>(g) عدم خردورزی</p> <p>(h) رقابت باطل با عظمت الهی</p> <p>(i) زبونی و درماندگی</p> <p>(j) پندار باطل در همانند ساختن قدرت خود با خالق هستی</p>
P۲۵	...هیچ‌کس از مردم برای زمامدار پرخرج‌تر در هنگام رفاه و کم‌فایده‌تر در وقت گرفتاری و از انصاف، گریزان‌تر و در خواهش، سیمچ‌تر و هنگام عطا ناسپاس‌تر و هنگام منع، پوزش‌ناپذیر تر و در پیشامدهای تلخ، کم‌طاقت‌تر از خواص نیست... (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۸)	<p>(a) پرخرجی</p> <p>(b) کم‌فایده بودن</p> <p>(c) بی‌توجهی در رعایت انصاف</p> <p>(d) پافشاری در خواسته</p> <p>(e) ناسپاسی</p> <p>(f) پوزش‌ناپذیری</p> <p>(g) کم‌طاقتی</p>
P۲۶	...مبدا شرف و موقعیت کسی سبب شود که خدمت ناچیز او را بیش‌ازحد بزرگ بداری و گمنامی و پایین بودن کسی موجب گردد که خدمت بزرگ او را ناچیز شماری. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۸)	<p>(a) بزرگداشت افراد به سبب برخورداری آنان از جایگاه اجتماعی (b) ناچیز شمردن افراد به سبب عدم برخورداری از موقعیت اجتماعی</p>

نکات کلیدی	ترجمه روایت و آدرس	نشان‌گر
<p>(a) انحصارگرایی (b) سودجویی (c) بی‌توجهی در رعایت انصاف (d) انعقاد قراردادهای سودآور برای خود با وجود زیان‌بار بودن آن برای مردم (e) گذاشتن بار خود به دوش مردم و کسب منفعت از آن (f) خواری، رسوایی و عاقبت نافرجام (i) ننگ در دنیا و آخرت</p>	<p>...سپس [بدان که] زمامداران را افراد ویژه، خصوصی و نزدیکانی است که انحصارطلبی و سود پرستی و کم‌انصافی دارند. ریشه‌ی آنان را با قطع ریشه‌های این مفاسد از بیخ برآور. هرگز به هیچ‌یک از حاشیه‌نشینان و نزدیکانت زمینی نبخش. نباید کسی به این طمع افتد که قراردادی با تو بندد که به مردم در حق آب، زیان برساند یا در کاری مشترک با دیگران، بار خود را بر دوش آنان بگذارند و در نتیجه، سودش عاید آنان شود و ننگ و عارش در دنیا و آخرت بر گردن تو افتد. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۸)</p>	P۲۷
<p>(a) توجه به تملق و چاپلوسی (b) خودشیفتگی (c) توجه به وسوسه‌های شیطان و فراهم آوردن زمینه‌های نفوذ آن (d) نابود شدن نیکی‌ها</p>	<p>...مبادا خودپسند باشی و به صفاتی که از خود می‌پسندی اعتماد کنی و دوستدار تملق و چاپلوسی باشی، که این حالت، مطمئن‌ترین فرصت برای شیطان است تا نیکوکاری نیکان را نابود سازد. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۸)</p>	P۲۸
<p>(a) انحصارگرایی</p>	<p>مبادا در آنچه مردم حقوق برابر دارند، امتیاز طلبی کنی و در کاری که به تو مربوط می‌شود، از راه حق کنار روی و از وظایفی که بر عهده توست و برای دیدگان همه آشکار است، خود را به تغافل بزنی، که از تو به سود دیگری بازخواست خواهد شد و زود است که پرده‌های کارها کنار رود و خدای جبار، با عظمت خود جلوه کند و ستم‌دیدگان داد خود را از ظالمان بگیرند. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۹)</p>	P۲۹
<p>(a) دریافت‌های مادی برای بستن پیمان با حکومت (b) استفاده از زد و بندهای سیاسی (c) فروختن دین به دنیا (d) تطمیع دیگران برای رسیدن به اهداف</p>	<p>... به من چنین رسیده که عمرو عاص بیعت نکرد، مگر آن که [معاویه] بهایی برای آن بخشید و شرط کرد که عطایی به او داده شود، بزرگ‌تر از آنچه که از حکومت در دست اوست. الا! تهی باد دست او که دین به دنیا فروخت! و رسوا باد دستاورد این خریدار کمک فاسق نیرنگ باز با اموال مسلمانان. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۰۱)</p>	P۳۰



نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
		(e) خدعه در اموال مردم
P۳۱	...عماقله و فرزندان‌شان کجایند؟ فرعون‌ها و فرعون‌زادگان کجایند؟ ساکنان شهرهای رَس کجایند؛ همانان که پیامبران را کشتند و سنّت‌های انبیا را خاموش ساختند و شیوه‌ی گردنکشان را زنده کردند؟ کجایند آنان که بالشکریان به هر سو می‌رفتند و هزاران را هزیمت می‌دادند؛ آنان که سپاه‌ها به راه انداختند و شهرها ساختند؟ (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۱۹۶)	(a) عدم پابندی به کتاب خدا (b) پابندی به سنت‌های جاهلی (c) گردنکشی (d) اراج نهادن به تفکر اشرافی گری
P۳۲	..پس آتش عصبیت را که در دل‌هایتان نهفته است، خاموش سازید و کینه‌های جاهلیت را براندازید که این حمیت، در مسلمان، از آفت‌های شیطان و نخوت او و انگیزش‌های وی و افسون دمیدن‌های اوست. تکیه کنید بر نهادن فروتنی بر سرهای خویش و دور افکندن گردنفرازی به زیر پاها، و فرود آوردن تکبر از گردن‌هاتان. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۲۰)	(a) باور به ارزش‌گرایش‌های قومی (b) پابندی به سنت‌های جاهلی (c) کینه‌توزی (d) توجه به وسوسه‌های شیطان و فراهم آوردن زمینه‌های نفوذ آن (e) گردنکشی (f) تفاخر و برتری‌جویی
P۳۳	...هان، بترسید! بترسید از پیروی مهتران و بزرگان‌تان که به گوهر خود نازیدند و نژادِ خویش، برتر دیدند. پس آنان، پایه‌های عصبیت‌اند و ستون‌های فتنه ... آنان، پایه‌های فسق‌اند و ملازم بریدن از پدر و مادر؛ و شیطان، آنان را مرکب گمراهی و سپاهی که بدیشان بر مردمان صولت یابد، برگزید. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۲۰)	(a) تفاخر و برتری‌جویی (b) نازیدن به‌حسب و نسب (c) تعصب و رزی (d) فتنه‌گری (e) فروپاشی نظام عاطفی درون خانواده (f) توجه به وسوسه‌های شیطان و فراهم آوردن زمینه‌های نفوذ آن (g) گمراهی
P۳۴	...دخترم هیچ‌کس نیست که خوراک و نوشیدنی و پوشاکش خوب و	(a) طولانی شدن وقوف جهت

سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) و پیامدهای تمدنی آن

نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
	دلپذیر باشد، مگر آن‌که روز قیامت، توقفش در پیشگاه خدا بیشتر به درازا می‌کشد. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۳۱۰)	پاسخ‌گویی در محضر الهی
P۳۵	... «من، رئیس مؤمنانم و این (طلا)، رئیس منافقان است. مؤمنان به من پناه می‌جویند و منافقان به این، پناه می‌جویند. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۹۵)	(a) باور به اهمیت مادیات و ارج نهادن به آن
P۳۶	... بنابراین، یک‌بار فردی از قبیله‌ی بجیله و یک‌بار فردی از اشعریان را به سوی فرستادم که هر دو، روی به دنیا آوردند و در آنچه رضای معاویه بود، پیرو امیال او شدند، و چون دیدم که در شکستن حرمت‌های الهی توسط او جز سرکشی نیست، با پیروان بدری محمد (ص) و آنانی که خدای عز و جل از کار آنان خشنود و پس از بیعتشان از آنان راضی شد و [نیز] با دیگر مسلمانان و مؤمنان شایسته، مشورت کردم و نظر همه موافق نظر من بود در جنگ کردن با او و منع کردن وی از آنچه که در دست گرفته است. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۳۰۲)	(a) نیکو پنداشتن مظاهر دنیا (b) سرکشی علیه حکومت عدل (c) تلاش در جهت راضی نگه‌داشتن حاکمان جور (d) شکستن حرمت‌های الهی (e) آسوده‌خاطر شدن با دنیا
P۳۷	... وقتی که به شرایطش در این خصوص جواب ندادم، با طغیان و سرکشی که در جانش شعله‌ور شده بود، با نفهم‌های بی‌خرد و بدون بصیرت، بر من هجوم آورد، کار را برایشان وارونه جلوه داد و آنان از وی پیروی کردند و از مال دنیا، آنچه را که بدان آنان را به طرف خود می‌کشاند، به ایشان بخشید... (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۳۰۲)	(a) یورش بر مخالفان (b) سرکشی علیه حکومت عدل (c) وارونه نشان دادن حق (d) تطمیع دیگران برای رسیدن به اهداف
P۳۸	... اگر می‌خواستم، راه دستیابی به پالوده عسل و مغز گندم و بافته‌های ابریشم را می‌یافتم؛ ولی مباد که هوایم بر من چیره گردد و آژ منشی، مرا به سوی غذای لذیذ کشد، درحالی‌که شاید در حجاز و یا یمامه، کسی باشد که به گرده نانی دست پیدا نکند و مزه‌ی سیری را نچشیده باشد، یا آن که من سیر بخوابم و در اطرافم شکم‌هایی به پشت چسبیده و جگرهایی سوخته باشند. آیا به این بسنده کنم که به من بگویند: «این، امیر مؤمنان است» و با آنان در سختی‌های روزگار، سهیم نباشم یا در سختی‌های زندگی، نمونه‌ای برایشان نباشم؟ من	(a) سرمستی در لذات دنیا و مجذوب شدن به آن (b) پیروی از تمایلات نفسانی (c) برگزیدن غذاهای لذیذ (d) توجه به طبقه‌ی نیازمندان (e) میل به شهرت و نامور (f) عدم خردورزی (g) گمراهی

نکات کلیدی	ترجمه روایت و آدرس	نشان‌گر
<p>h) سرگردانی i) بی‌توجهی به مشکلات و وضع معیشتی محرومان</p>	<p>برای آن آفریده نشده‌ام که خوردن غذاهای لذیذ، مشغولم کند، چون چارپای پرواری که هم‌تش علفش است و یا چارپای رهاشده که خاک را به هم می‌زند و از علف‌های آن، خود را سیر می‌کند و از آنچه بر سرش می‌آورند، غافل می‌ماند، یا و نهاده باشم و یا بیهودام پندارند و یا ریسمان گمراهی را بکشم و یا راه سرگردانی را ببیمایم. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۴۹۰)</p>	
<p>a) گردنکشی</p>	<p>...خداوند، مرا پیشوای بندگانش قرار داده است و بر من واجب کرده که خودم، خوردم، نوشیدم و پوشش‌م را به قدر ناتوان‌ترین مردم قرار دهم تا ندار به ناداری‌ام اقتدا کند و ثروت ثروتمند، او را سرکش نسازد. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۹۲)</p>	P۳۹
<p>a) امتیاز طلبی اقتصادی</p>	<p>...لکن بر پیشوایان حق، واجب است که در خوردن و پوشیدن، به ناتوان‌ترین افراد مردمشان تأسی جویند و از مردم، با چیزی که در توان آنان نیست، متمایز نشوند تا تهی‌دستان، آنان را ببینند و از خدا برای شرایطی که در آن زندگی می‌کنند، خشنود باشند و ثروتمندان، آنان را ببینند و در شکر و فروتنی بیشتر بکوشند. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۹۴)</p>	P۴۰
<p>a) دنیاگرایی با پوشش دین‌خواهی و آخرت‌جویی b) تفاخر و برتری‌جویی c) عدم بصیرت در شناخت حق d) سرمستی در لذات دنیا و مجذوب شدن به آن e) علاقه‌مندی زیاد به گردآوردن مال و انبار کردن آن</p>	<p>...بدان که در این‌جا، دانشی فراوان انباشته است (و با دست به سینه‌اش اشاره کرد). ای کاش فراگیرندگانی برای آن می‌یافتم! آری، [گاه] تیزفهمانی یافتم که برای آن، امین نبودند؛ چرا که ابزار دین را برای دنیا به کار می‌بردند، و با نعمت‌های خداوند، بر بندگانش برتری می‌جستند، و با برهان‌های الهی، بر دوستان خدا فخر می‌فروختند، و یا کسانی را یافتم که سر به فرمان حق‌مداران بودند؛ اما در شناخت زوایای حق، بصیرت نداشتند و با نخستین شبهه‌ای که پیش می‌آمد، شک و تردید در دلشان رخنه می‌کرد. [برای فراگرفتن چنان دانشی] نه این درخور است و نه آن. یا کسی [را یافتم] که سخت در پی لذت است و رام شهوت و یا شیفته‌ی گردآوردن مال و انبار کردن آن. هیچ‌یک از این دو [نیز]، توان پاسداری از دین را ندارند و بیشتر به چارپایان چرنده شباهت دارند. چنین است که دانش، با مرگ دانشوران می‌میرد. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۵۴۰)</p>	P۴۱

نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
P۴۲	هیچ قومی نبوده‌اند که در زندگی، در فراوانی نعمت باشند و آن زندگی از آن‌ها گرفته شده باشد، مگر به خاطر گناهایی که انجام داده‌اند؛ چراکه خداوند، هرگز بر بندگان، ستمکار نیست. (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۱۱۴)	(a) گرفته شدن نعمت‌ها (b) ارتکاب گناه
P۴۳	...مردم، چهار گروه شده‌اند...گروه دیگر، آنانی هستند که شمشیر از نیام برکشیده‌اند و شرارت خود را آشکار ساخته‌اند و نیروی سواره و پیاده‌ی خود را گردآورده‌اند، خود را آماده ساخته و دینشان را برای مالی که فرصت طلبانه آن را به دست آوردند و یا سوارانی که فرماندهی کنند و یا منبری که بر آن نشینند، نابود کرده‌اند، و چه بد دادوستدی است که دنیا را برای جان خویش، قیمت بشماري و آن را جایگزین آنچه برای تو در نزد خدا هست، بینداری. (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۲۱۲)	(a) امتیاز طلبی اقتصادی (b) کاهش یا نابودی دین (c) معاوضه‌ی دین با دنیا
P۴۴	آن‌که به کم بسنده نمی‌کند، چگونه می‌تواند نفس خویش را اصلاح کند؟ (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۲۲۲)	(a) ناتوانی در اصلاح نفس (b) زیاده‌طلبی (c) عدم صرفه‌جویی
P۴۵	هرگاه به خودسازی خویش علاقه‌مند شدي، باید میانه‌روی، قناعت و کم‌خواهی پیشه کنی. (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۲۴۲)	(a) ناتوانی در اصلاح نفس (b) زیاده‌طلبی
P۴۶	خوش‌خدمتی به تن، دادن همه لذت‌ها و شهوت‌ها و دستاوردها به آن است و در این کار، هلاک جان است. (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۲۴۶)	(a) هلاکت نفس (b) خوش‌خدمتی به تن
P۴۷	...هرگاه شهروندان بر زمامداران خود چیره شوند و زمامدار بر شهروندان برتری جوید، وحدت کلمه از بین می‌رود، و طمع‌های ستمکارانه آشکار می‌شوند، و تبه‌کاری در دین، افزون می‌گردد، و نشانه‌های سنت، متروک می‌شوند. در این حال، همگان بر اساس هوای (خواهش‌های) نفس عمل می‌کنند، احکام خدا تعطیل می‌گردند و بیماری‌های جان، بسیار می‌شوند. (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۲۴۸)	(a) پذیرش باطنی اختلاف طبقاتی و برتری طبقه‌ی فرادست بر فرودست (b) تفرقه (c) طمع‌ورزی برای کسب قدرت در جهت دستیابی به منافع مادی (d) واگذاشتن نشانه‌های سنت

نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
		(e) پیروی از تمایلات نفسانی (f) برجیدگی احکام خداوند (g) گسترش بیماری‌های روحی
P۴۸	..فخرورزیِ خود را کنار بگذار و خودبینی‌ات را فرو نه و به یاد گورت باش که گذرت به آن‌جاست. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۳۳۳)	(a) نادیده گرفتن آخرت
P۴۹	..وای بر محله‌های آباد شما و خانه‌های تزیین‌شده که سایبان‌هایی چون بال‌های کرکسان و ناودان‌هایی چون خرطوم فیل، در آن‌ها تعبیه‌شده است، از آنانی که بر کشته‌هایشان نمی‌گیرند و از گم‌شده‌هایشان نمی‌پرسند! من دنیا را با تمام جلوه‌هایش بر زمین افکنده‌ام، به اندازه‌ی خودش بدان ارج می‌نهم و با دیده‌ی سزاوار آن، بدان می‌نگرم. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۱۸)	(a) ساکن شدن در مناطق پررونق (b) زینت دادن نمای بیرونی منزل (c) باور به اهمیت مادیات و ارج نهادن به آن (d) بی‌توجهی به مفقودین و کشته‌شدگان
P۵۰	بندگان خدا! در هر آنچه به شما مربوط است، نیکو بنگرید. سپس به سرزمین و سرگذشت کسانی که خداوند به علم خود، آنان را رهبری نمود، نیک بنگرید که چه سان بر روش فرعونیان، برخوردار از باغ‌ها، چشمه‌ها، کشت‌ها و جایگاه‌های والا بودند و آن گاه بنگرید که خداوند، پس از خرمی، شادمانی و أمر و نهی [شان]، چه عاقبتی برایشان رقم زد. (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۲۶)	(a) زندگی به شیوه‌ی امپراتوران، شاهان و فرعونیان (b) امتیاز طلبی در منابع طبیعی (c) پذیرش باطنی اختلاف طبقاتی و برتری طبقه‌ی فرادست بر فرودست (d) خواری، رسوایی و عاقبت نافرجام
P۵۱	نگاشته‌ی امام علی (ع) به زیاد بن ابیه: اما بعد؛ سعد می‌گوید که تو او را به ستم، دشنام داده و تهدیدش کرده‌ای و با تکبر و گردنکشی با او روبه‌رو گشته‌ای. پس چه چیز تو را به تکبر کشانده؟ درحالی‌که پیامبر خدا فرموده است: « کبر، ردای خداوند است. پس هر که با خدا در آن بستیزد، خداوند خُردش می‌کند» سعد به من خبر داده که تو در خوراک یک روز، انواع غذاهای رنگارنگ را فراهم می‌آوری و هر روز به خود، روغن	(a) خُرد و شکسته شدن (b) تفاخر و برتری‌جویی (c) گردنکشی (d) فراهم آوردن غذاهای رنگارنگ (e) روغن‌مالی روزانه به بدن (f) غفلت از ضرورت بازداشتن

نکات کلیدی	ترجمه روایت و آدرس	نشان‌گر
<p>نفس از غوطه‌ور شدن در مطامع دنیوی                      (f) سرمستی در لذات دنیا و مجذوب شدن به آن                      (g) بی‌توجهی به مشکلات و وضع معیشتی محرومان                      (h) برخورداری حداکثری از ناز و نعمت دنیوی                      (i) گمان باطل در همانند بودن ایشان با بخشش کنندگان در دریافت پاداش الهی</p>	<p>می‌مالی. چه می‌شد اگر برای خدا، چند روزی را روزه می‌گرفتی و به خاطر خدا، بخشی از موجودی‌ات را صدقه می‌دادی و چندبار غذای بی‌خورش می‌خوردی که این، شعار صالحان است! آیا طمع داری که در نعمت، بغلتی و به جای آن‌که به همسایه و بینوا و ناتوان و نادار و بیوه و یتیم ببخشی، برای خود برداری، ولی پاداش صدقه‌دهندگان را ببری؟ (محمدری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۲۱۶)</p>	
<p>(a) تبدیل بیت‌المال به خزانه‌ی                      سلطانی (b) امتیاز طلبی اقتصادی                      (c) غفلت از ضرورت بازداشتن                      نفس از غوطه‌ور شدن در مطامع                      دنیوی                      (d) نادیده گرفتن آخرت</p>	<p>... عبد الله بن عباس به امام (ع) نوشت:                      اما بعد؛ نامه‌ات به من رسید. برداشتن مالی را که از بیت‌المال بصره گرفته بودم، بر من بزرگ شمرده‌ای و به جانم سوگند، سهم من در بیت‌المال خدا بیش از آن است که برگرفته‌ام. والسلام! پس علی بن ابی‌طالب (ع) به او نوشت: «اما بعد؛ چه شگفت و حیرت‌انگیز است! نفست کارت را برایت آراسته و تو را فریفته که سهم تو از بیت‌المال خدا بیشتر از آن است که برداشته‌ای و بیشتر از دیگر مردان مسلمان است. اگر این آرزوها [و خیال‌پردازی‌های] باطل و ادعاهای بی‌پایه، تو را از گناهت می‌رهاند و حرام خدا را برایت حلال می‌کرد، خدا به تو عمر دهد که در آن صورت، تو رستگار می‌شدی و بنده‌ای رهیافته بودی! به من خبر رسیده که تو مکه را وطن خودساخته‌ای و اصطبل‌ی بنانهاده‌ای و کنیزکان مکه و طائف را می‌خری و هر کدام را که می‌خواهی، برمی‌گزینی و در برابر آن‌ها مال کس دیگری را می‌پردازی و من به خداوند، پروردگار من و تو، و خداوندگار عزت، سوگند می‌خورم که اگر آنچه تو از اموال ایشان گرفتی، ملک [طلق] حلالم باشد و من [آن را انفاق نکنم و] به ارث برای پس از خود بگذارم، شادم نمی‌کند. پس چگونه در شگفت نباشم که تو این‌چنین از</p>	<p>P۵۲</p>

نکات کلیدی	ترجمه روایت و آدرس	نشان‌گر
	<p>خوردن این اموال، شادمانی؟! کمی آهسته‌تر! به پایان کارت نزدیک و بر پروردگارت عرضه می‌شوی و در جایی فرود می‌آیی که آرزوی بازگشت می‌کنی، همچون کسی که توبه را تباه کرده است، اما دیگر دیر شده و جای گریز نیست. والسلام!». (محمدی‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۳۵)</p>	
<p>(a) اختیار کردن همسران متعدد با اموال مردم (b) نیرنگ زدن (c) خیانت به بیت‌المال (d) نادیده گرفتن آخرت (e) محروم کردن مردم از حقوق خویش</p>	<p>و گویی تنها هدف، نیرنگ زدن به امت محمد صلی‌الله علیه و آله بود تا دنیایشان را به چنگ آوری و آنان را بفریبی! و چون مجال بیشتری در خیانت به امت یافتی، به‌سرعت برجستی و شتابان دویدی و چونان گرگ تیزتک که بُز زخم‌خورده پا شکسته را می‌رُبايد، آنچه را بر آن تسلط داشتی، ربودی. گویی ای بی‌پدر ارث پدر و مادرت را به‌سوی خانواده‌ات می‌فرستی. سبحان‌الله! آیا معاد را باور نداری؟ آیا از سختی حساب، بیم نداری؟ آیا بر تو گران نمی‌آید که با اموال بیوه‌زنان و مهاجرانی که خداوند، [درآمد] این سرزمین‌ها را نصیب آنان کرده است، کنیزکانی بخری و زنانی را به همسری بگیری؟ (محمدی‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۳۵۷)</p>	P۵۳
<p>(a) فراهم آوردن غذاهای رنگارنگ (b) راندن نیازمندان و هم‌سفرگی با اغنیاء</p>	<p>ای پسر حنیفا! به من خبر رسیده است که فردی از جوانان بصره تو را به سفره‌ای خوانده و تو به آن جا شتافته‌ای، و خوردنی‌های رنگارنگ و نیکو برایت آماده و کاسه‌ها برایت آورده شده است. گمان نمی‌کردم که تو به میهمانی کسانی بروی که نیازمندان رانده و بی‌نیازشان خوانده‌شده باشد. (محمدی‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۳۹۰)</p>	P۵۴
<p>(a) هوسرانی (b) خواری، رسوایی و عاقبت نافرجام (c) سگ بازی و شکار (d) عدم خردورزی</p>	<p>نامه‌ی امام علی (ع) به منذر بن جارود فرماندار اصطخر: اما تو چون هوسرانی‌ات را وا نمی‌نهی، همان، خوارت می‌سازد. به من خبر رسیده که فراوان، کارت را رها می‌کنی و تخت حکومت را به بازیچه وا می‌نهی و دنبال شکار و سگ بازی می‌روی. سوگند می‌خورم که اگر این خبر حقیقت داشته باشد، سزای کارت را بدهم و نادان‌خاندانت، از تو بهتر خواهد بود. (محمدی‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۵۸۶)</p>	P۵۵

نشان‌گر	ترجمه روایت و آدرس	نکات کلیدی
P56	... و آن کس که مال بر مال نهاد و افزون داشت و ساخت و برافراشت و بیاراست و اندوخت و به گمان خویش، برای فرزند، مایه گذاشت، که همگان را در جایگاه رسیدگی و حساب و محلّ پاداش و عقاب روانه کند، آن‌گاه که کار داوری به نهایت رسد. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۴)	a) ثروت‌اندوزی b) علاقه‌مندی زیاد به گردآوردن مال و انبار کردن آن c) اهمیت دادن افراطی به سرمایه‌گذاری برای فرزندان d) نادیده گرفتن آخرت

همان‌طور که در جدول شماره‌ی (۱) مشخص است، پیروان سبک زندگی اشرافی خود را متمایز از دیگران می‌دانند، جامه‌ای از حریر بر تن می‌کنند و تاج بر سر نهاده و فرش‌های ابریشمین برمی‌گسترانند. سبک زندگی آن‌ها مانند شیوه‌ی زندگی امپراتوران روم و شاهان ایران است. آن‌ها در ناز و نعمت فرو رفته و دیگران را تحقیر می‌کنند. آن‌ها نژادِ خویش را از سایر نژادها، برتر می‌بینند و به اصل و نسب خود می‌نازند، از سفره‌های رنگین و خوراکی‌های رنگارنگ بهره می‌برند. تکبر و گردنکشی، سلطه‌جویی، امتیازخواهی، رام شهوت و شیفته گردآوردن مال و انبار کردن آن بودن، از بارزترین مشخصه‌های پیروان سبک زندگی اشرافی است.

### ۳-۲. تفسیر مؤلفه‌های شناختی، عاطفی سبک زندگی اشرافی

در جدول شماره‌ی (۲) مؤلفه‌های شناختی و عاطفی سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) منعکس شده است. برخورداری از جهان‌بینی مادی، غفلت از حیات آخرت، لذت‌گرایی افراطی، عدم خردورزی و مهار نفس، باور به برتری در اصل و نسب خانوادگی، ثروت، نژاد، رنگ پوست، برجسته‌ترین مؤلفه‌های شناختی و عاطفی سبک زندگی اشرافی است. ساختارهای ادراکی و عاطفی شکل‌دهنده‌ی سبک زندگی اشرافی در تعبیر امام علی (ع) از «خواص» که آن‌ها را ناسپاس‌تر و هنگام منع، پوزش‌ناپذیرتر و در پیشامدهای تلخ، کم‌طاقت‌تر از خواص معرفی کرده است، به‌خوبی نشان می‌دهد که طبقه‌ی اشراف نه‌تنها گره‌ای را از مشکلات جامعه باز نمی‌کنند بلکه در سختی‌ها و تنگناها، خود مشکلی بزرگ در اجتماع به‌حساب می‌آیند. در پرسش امام علی (ع) که «عمالقه و



فرزندانشان کجایند؟ فرعون‌ها و فرعون‌زادگان کجایند؟ ساکنان شهرهای رَس کجایند؟» به‌خوبی موقتی و ناپایدار بودن بهره‌مندی‌های زندگی اشرافی به تصویر کشیده شده است. استفهامی که مخاطب پاسخ آن را به‌درستی می‌داند و به گذرا بودن بهره‌مندی‌های دنیوی اعتراف می‌کند. امام علی (ع) با این روش اندیشه‌ی مخاطب را در عدم پیروی از اشرافیت با خود همراه کرده و آنان را از دنباله‌روی از سبک زندگی اشرافی برحذر می‌دارد. ایجاد رابطه‌ی بینامتنی میان فرعونیان و عمالقه و اشراف حاضر در عصر امام علی (ع) نشان از علاقه‌ی افراطی به جمع مال و ثروت و امتیازخواهی این قشر از جامعه دارد که امام علی (ع) به این وسیله بر باورهای آن‌ها تاخته و آن‌ها را به باد انتقاد گرفته است.

جدول (۲): مؤلفه‌های شناختی و عاطفی سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع)

مؤلفه و نشانگر	مؤلفه و نشانگر
عدم شناخت ماهیت دنیا: (P15c)، (P14a)، (P16c)، (P19a)، (P20b)، (P21b)	نادیده گرفتن آخرت: (P12b)، (P14b)، (P15d)، (P18e)، (P19b)، (P48a)، (P52d)، (P53d)، (P56d)
نیکو پنداشتن مظاهر دنیا: (P14d)، (P36a)	توجه به وسوسه‌های شیطان و فراهم آوردن زمینه‌های نفوذ آن: (P19c)، (P28c)، (P32d)، (P33f)
غفلت از ضرورت بازداشتن نفس از غوطه‌ور شدن در مطامع دنیوی: (P20d)، (P51f)، (P52c)	عدم خردورزی: (P20i)، (P24g)، (P38f)، (P55d)
پذیرش باطنی اختلاف طبقاتی و برتری طبقه فرادست بر فرودست: (P47a)، (P50c)	باور به اهمیت مادیات و ارج نهادن به آن: (P35a)، (P49c)
بی‌توجهی به مشکلات و وضع معیشتی محرومان: (P38i)، (P51g)	بی‌توجهی در رعایت انصاف: (P25c)، (P27c)
علاقه‌مندی زیاد به گردآوردن مال و انبار کردن آن: (P41e)، (P56b)	دنیاگرایی با پوشش دین‌خواهی و آخرت جویی: (P41a)، (P22a)
بی‌توجهی به مفقودین و کشته‌شدگان: (P49d)	عدم آگاهی از امتحان بودن بهره‌مندی‌های دنیوی: (P16a)

مؤلفه و نشانگر	مؤلفه و نشانگر
بی‌توجهی به طبقه‌ی پایین‌دست از مردم: (P8a)	آگاهی از حقوق مردم و پشت پا زدن به آن: (P4e)
عدم میل باطنی به مردمی بودن: (P18i)	ارج نهادن به تفکر اشرافی‌گری: (P31d)
نادیده گرفتن پیمان الهی: (P13c)	غفلت از اصل کرامت انسانی: (P20h)
گمان باطل در همانند بودن ایشان با بخشش کنندگان در دریافت پاداش الهی: (P51i)	پندار باطل در همانند ساختن قدرت خود با خالق هستی: (P24j)
باور به ارزش‌گرایی‌های قومی: (P32a)	توجه به تملق و چاپلوسی: (P28a)
اهمیت دادن به سرمایه‌گذاری برای فرزندان: (P56c)	عدم بصیرت در شناخت حق: (P41c)
میل به شهرت و ناموری: (P38)	آسوده‌خاطر شدن با دنیا: (P36e)

در بعد عاطفی سبک زندگی اشرافی، تمایل اشراف به برخورداری از امکانات ویژه، میل به شهرت و ناموری، گرایش‌های قومی و میل به ایجاد روابط سلطه‌گرانه با دیگران حائز اهمیت است. اشراف دوست دارند تا با ثروتی که از مردم به یغما برده‌اند به هر آنچه که می‌خواهند برسند. توجه به وسوسه‌های شیطان و فراهم آوردن بسترهای نفوذ آن و عدم شناخت ماهیت دنیا، عوامل زمینه‌ساز گرایش به سبک زندگی اشرافی است.

### ۳-۳. تفسیر مؤلفه‌های رفتاری سبک زندگی اشرافی

در جدول شماره‌ی (۳) مؤلفه‌های رفتاری سبک زندگی اشرافی منعکس شده است. در بعد عینی سبک زندگی اشرافی بهره‌مندی از امکانات ویژه مانند برخورداری از خانه‌های تزیین‌شده در محله‌های آباد با سایبان‌ها و ناودان‌هایی به اشکال خاص و برخورداری از کنیزکان زیباروی که با پول مردم آن‌ها را فراهم نموده‌اند به رفاه‌زدگی، ثروت‌اندوزی و دسترسی آسان آنان به خدمات و امکانات اشاره دارد.

مجموعه‌ی این یافته‌ها، شیوه‌ای از زندگی اشرافی را به نمایش می‌گذارد که در آن شادی‌های افسارگسیخته و مصرف زندگی به‌خوبی دیده می‌شود. این سبک از زندگی اختصاص به دوره‌ای خاص نداشته و در ادوار مختلف به اشکال گوناگون به چشم می‌خورد.

جدول (۳): مؤلفه‌های رفتاری سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع)

مؤلفه و نشانگر	مؤلفه و نشانگر
تفاخر و برتری‌جویی: (P5a)، (P17c)، (P18j)، (P23c)، (P32f)، (P33a)، (P41b)، (P51b)	سرمستی در لذات دنیا و مجذوب شدن به آن: (P1a)، (P14e)، (P4c)، (P18d)، (P20c)، (P38a)، (P41d)، (P51f)
محروم کردن مردم از حقوق خویش: (P2b)، (P3a)، (P6a)، (P7b)، (P9a)، (P53e)	پیروی از تمایلات نفسانی: (P13a)، (P14g)، (P18b)، (P19d)، (P20j)، (P38b)، (P47e)
سرکشی علیه حکومت عدل: (P10a)، (P11g)، (P23e)، (P36b)، (P37b)	انکار، کتمان و ضایع کردن حق: (P4f)، (P11f)، (P12c)، (P13b)، (P17e)
گردنکشی: (P31c)، (P32e)، (P39a)، (P51c)	امتیاز طلبی اقتصادی: (P11b)، (P40a)، (P43a)، (P52b)
پایبندی به سنت‌های جاهلی: (P17a)، (P31b)، (P32b)	خودشیفتگی: (P23b)، (P24f)، (P28b)
طمع‌ورزی برای کسب قدرت در جهت دست‌یابی به منافع مادی: (P11c)، (P47c)	تبدیل بیت‌المال به خزانه سلطانی: (P2a)، (P17d)، (P52a)
تطمیع دیگران برای رسیدن به اهداف: (P30d)، (P37d)	انحصارگرایی: (P5b)، (P29a)
زدن برچسب‌های ناروا به	قرار دادن دیگران در تنگنای مادی: (P2d)، (P7a)

سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) و پیامدهای تمدنی آن

حاکمان عدل و مخالفین خود: (P16b),(P4b)	
ادعای شایستگی برای کسب قدرت: (P17b),(P14c)	ریاست‌طلبی: (P23d), (P24a)
زندگی به شیوه‌ی امپراتوران، شاهان و فرعونیان: (P18h), (P50a)	آزمندی: (P21a),(P15a)
تعصب ورزی: (P33c)	برخورداراری حداکثری از ناز و نعمت دنیوی: (P51h),(P19g)
تلاش در جهت راضی نگه‌داشتن حاکمان جور: (P36c)	شکستن حرمت‌های الهی: (P36d)
حرص ورزیدن برای بهره‌مندی افزون‌تر از متاع دنیوی: (P15b)	وانمود پیشینه‌ی کهن و شرافت والا: (P19h)
آمیختن حق به باطل: (P17f)	سخن گفتن از فضایل خود و عدم پایبندی به آن: (P18a)
گستردن فرش‌های ابریشمی: (P18g)	پوشیدن لباس‌های فاخر: (P18f)
برگزیدن غذاهای لذیذ: (P38c)	اختیار کردن همسران متعدد با اموال مردم: (P53a)
فراهم آوردن غذاهای رنگارنگ: (P54a)(P51d)	راندن نیازمندان و هم‌سفرگی با اغنیاء: (P54b)
روغن‌مالی روزانه به بدن: (P51e)	هوسرانی: (P55a)
زینت دادن نمای بیرونی منزل: (P49b)	ساکن شدن در مناطق پررونق: (P49a)
فتنه‌گری: (P33d)	امتیاز طلبی در منابع طبیعی: (P50b)
پرخرجی: (P25a)	حرف‌شنوی از گمراهان: (P19e)
کم‌فایده بودن: (P25b)	نازیدن به‌حسب و نسب: (P33b)

کم‌طاقتی: (P25g)	پوزش‌ناپذیری: (P25f)
سگ بازی و شکار: (P55c)	استفاده از زد و بندهای سیاسی: (P30b)
بزرگداشت افراد به سبب برخورداری آنان از جایگاه اجتماعی: (P26a)	خوش‌خدمتی به تن: (P46b)
نیرنگ زدن: (P53b)	خدعه در اموال مردم: (P30e)
کینه‌توزی: (P32c)	وارونه نشان دادن حق: (P37c)
ثروت‌اندوزی: (P56a)	یورش بر مخالفان: (P37a)
تحقیر دیگران: (P23a)	درگیری برای دست‌یابی به مطامع دنیا: (P20a)
رقابت باطل باعظمت الهی: (P24h)	مقاومت در بازگرداندن اموال به ناحق غصب شده: (P4d)
گرفتن قیافه‌ی حق به‌جانب: (P4h)	ناچیز شمردن افراد به سبب عدم برخورداری از موقعیت اجتماعی: (P26b)
امتیاز طلبی در قانون: (P11a)	تجاوز به اموال مردم و مصرف آن در راه رسیدن به قدرت: (P10c)
انعقاد قراردادهای سودآور برای خود با وجود زیان‌بار بودن آن برای مردم: (P27d)	دریافت‌های مادی برای بستن پیمان با حکومت: (P30a)
امتیاز طلبی در اجرای حکم:	منفعت‌طلبی با اولویت‌بخشی به خود و خانواده: (P11d)

(P11e)	
سودجویی: (P27b)	گذاشتن بار خود به دوش مردم و کسب منفعت از آن: (P27e)
پافشاری در خواسته: (P25d)	عیب‌جویی: (P4g)
عدم پایبندی به کتاب خدا: (P31a)	ناسپاسی: (P25e)
عدم صرفه‌جویی: (P44c)	زیاده‌طلبی: (P45b), (P44b)

در بعد رفتاری، فزون‌خواهی، برتری‌جویی، امتیاز طلبی و انکار، کتمان و ضایع کردن حق، برجسته‌ترین کنش‌ها و عادت‌هایی است که در سبک زندگی اشرافی وجود دارد. اشراف با پایبندی به سنت‌های جاهلی و استفاده از زد و بندهای سیاسی و زدن برچسب‌های ناروا به حاکمان عدل و مخالفین خود، علیه حکومت عدل‌گردنکشی کرده و با تجاوز به اموال مردم، آنان را از حقوق خویش محروم می‌کنند.

### ۳-۴. تبیین پیامدهای تمدنی سبک زندگی اشرافی

در جدول شماره‌ی (۴) پیامدهای تمدنی سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) منعکس شده است. عدم توجه به جنبه‌های حقیقی تمدن، دوری از اخلاق و معنویت و توسعه‌ی فرهنگ مادی صرف بدون اعطای آرامش معنوی به انسان، باعث شده تا سبک زندگی اشرافی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های تحقق تمدن نوین اسلامی یا استمرار آن تبدیل شود.

#### جدول (۴): پیامدهای تمدنی سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع)

مؤلفه و نشانگر	مؤلفه و نشانگر
گسترش بی‌عدالتی: (P2c)، (P3b) (P9b)، (P7c)	خواری، رسوایی و عاقبت نافرجام: (P4i)، (P10b)، (P19f)، (P27f)، (P55b)، (P50d)
گمراهی: (P33g)، (P17g)، (P38g)	بازخواست شدن در دادگاه عدل الهی: (P6b)، (P7d)، (P14h)

کاهش یا نابودی دین: (P43b)،(P24c)	منحرف شدن از راه راست: (P20e)،(P18c)
طولانی شدن وقوف جهت پاسخگویی در محضر الهی: (P34a)	ناتوانی در اصلاح نفس: (P45a)،(P44a)
تباهی دل: (P24b)	حاکمیت نظام سلطه: (P20g)
نزدیک شدن به فتنه‌ها: (P24d)	برچیدگی احکام خداوند: (P47f)
زبونی و درماندگی: (P24i)	گرفتار شدن به بدبختی: (P24e)
نابود شدن نیکی‌ها: (P28d)	ننگ در دنیا و آخرت: (P27f)
گرفته شدن نعمت‌ها: (P42a)	معاوضه‌ی دین با دنیا: (P43c)
سرگردانی: (P20f)، (P38h)	فروپاشی نظام عاطفی درون خانواده: (P33e)
ارتکاب گناه: (P42b)	هلاکت نفس: (P46a)
واگذاشتن نشانه‌های سنت: (P47d)	تفرقه: (P47b)
خُرد و شکسته شدن: (P51e)	گسترش بیماری‌های روحی: (P47g)

پیامدهای تمدنی سبک زندگی اشرافی با چگونگی نگرش پیروان آنان به جهان هستی و آفریننده‌ی آن ارتباط مستقیم دارد. یکی از اصول بنیادین تمدن نوین اسلامی، اعتقاد به قدرت مطلق لایزال الهی است و این‌که قدرت انسان تنها عاریه‌ای از جانب خداوند است. خداوند در داستان باغدار تفاخر پیشه که در سوره‌ی کهف آیة ۳۹ تا ۴۱ آمده است، قدرت مطلق پروردگار را یادآور می‌شود و در داستان قارون در آیة ۷۸ سوره‌ی قصص

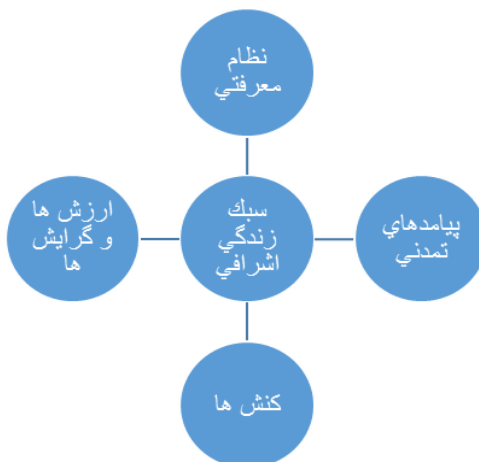
پس از نقل تفاخر قارون به دارایی‌ها و قدرت خویش، او را به جهت غفلت از قدرت پروردگار مورد سرزنش قرار می‌دهد. انسانی که قدرت مطلق را از آن خدا بداند، برای قدرت خود اصالت قائل نمی‌شود و به وسیله‌ی آن بر دیگران برتری جویی نمی‌کند.

مالک حقیقی پنداشتن انسان و غفلت از مالکیت حقیقی خداوند از دیگر پیامدهای تمدنی سبک زندگی اشرافی است. خداوند مالک تمام هستی است و سایر مالکیت‌ها عرضی و به اذن پروردگار است. سخن خداوند «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آل عمران/ ۱۸۹)، «بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (بقره/ ۱۱۶) و «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ» (یس/ ۸۳) به خوبی مالکیت حقیقی خداوند را به تصویر می‌کشد. همچنین در فرموده‌ی خداوند «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ» (آل عمران/ ۲۶) به عرضی بودن مالکیت انسان تصریح شده است.

غفلت از منشأ عزت حقیقی، پیامد دیگر تمدنی سبک زندگی اشرافی است. خداوند در سوره‌ی فاطر آیه‌ی ۱۰ عزت حقیقی را از آن خدا می‌داند. موجودی جز خداوند وجود ندارد که خودش بالذات عزیز باشد. انسانی که عزت مطلق را از آن خدا بداند اطمینان دارد که کسب عزت تنها از طریق خداوند به دست می‌آید و نه از طریق ثروت‌اندوزی، برتری جویی و فخرفروشی. همچنین حقیر پنداشتن انسان و بی‌توجهی به ظرفیت‌های بشر و تنزل دادن مقام آدمی به موجودی صرفاً مادی از دیگر پیامدهای تمدنی سبک زندگی اشرافی به حساب می‌آید. خداوند در سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۷۰ انسان را تکریم کرده و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْأَنْفِ وَالْأُذُنِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»، این برتری موجب می‌شود که آدمی مادیات و بهره‌مندی‌های دنیوی را موجب ارزش و شرافت خود قرار ندهد. اگر انسان بداند که بخش عمده‌ای از زندگی او پس از مرگ رقم می‌خورد، بهره‌مندی از لذات دنیا را ارزش تلقی نکرده و به آن افتخار نخواهد کرد.



نمودار (۱) مدل مفهومی سبک زندگی اشرافی و پیامدهای تمدنی آن را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: مدل مفهومی سبک زندگی اشرافی و پیامدهای تمدنی آن

### نتیجه‌گیری

تحلیل مؤلفه‌های سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) نشان داد که عناصر سازنده‌ی سبک زندگی اشرافی دربرگیرنده‌ی سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است. از پیامدهای تمدنی سبک زندگی اشرافی، عدم نگرش صحیح نسبت به خداوند با نادیده گرفتن قدرت مطلق الهی، مالکیت خداوند بر جهان هستی و عزت بی‌بدیل او، و در ارتباط با خویشتن، عدم درک جایگاه حقیقی انسان و نادیده گرفتن کرامت ذاتی او و غفلت از برتری آدمی بر سایر موجودات است که هریک به‌نوبه‌ی خود موجب می‌شود تا انسان جایگاه والای انسانی خود را به موجودی صرفاً مادی تنزل دهد و به‌جای جستجوی ارزش‌های ابدی، به دنبال ارزش‌های زودگذر مادی باشد. در این سبک از زندگی، غفلت از امتحان الهی بودن بهره‌مندی‌های دنیا و فراموشی حیات اخروی موجب اعتبار بخشیدن به ارزش‌های مادی و تبدیل آن به ارزش‌های ذاتی می‌شود که خود مانعی مهم در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی یا استمرار آن به‌حساب می‌آید. با توجه به این‌که پژوهش حاضر محدود به سبک زندگی اشرافی در روایات امام علی (ع) و پیامدهای تمدنی آن توجه داشته است، پیشنهاد می‌شود سبک زندگی اشرافی و پیامدهای تمدنی آن در روایات سایر ائمه (ع) نیز مورد بررسی قرار گیرد.

## کتابنامه

### قرآن کریم

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.  
ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة. تحقیق و تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الأعلام الاسلامی.

ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱)، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.  
اسماعیل صینی، محمود (۱۴۱۴)، المکنز العربی المعاصر، لبنان، مکتبه ناشرون.  
اشرفی، عباس (۱۳۹۲)، اشرافی گری، سبکی ناپسند برای زندگی (با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری)، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ویژه‌نامه سبک زندگی، شماره‌ی چهارم، صص ۱۴۰-۱۶۴.

حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰)، الحیات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  
خاشعی، وحید؛ نظرپور، کاشانی، حامد و شریعت زاده، سید محمدعلی (۱۳۹۵)، کاوشی در سبک زندگی در حوزه رفتار مصرف‌کننده از دیدگاه نهج‌البلاغه، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره‌ی ۱، صص ۴۹-۱۱.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالشامیه.  
سقای بی‌ریا، محمدناصر (۱۳۹۸)، مقایسه سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء و طاغوتیان از دیدگاه قرآن، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۴، صص ۲۲۳-۲۴۷.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، مشهد، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی.

عادلی، حمید (۱۳۹۱)، شیوه‌های مقابله با اشرافیت از دیدگاه امام علی (ع)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده‌ی اصول‌الدین.

عشایری طاها؛ عباسی، الهام و نامیان، فاطمه (۱۳۹۷)، تحلیل تاریخی - جامعه‌شناختی پایان تمدن‌های انسانی با تأکید بر نهج‌البلاغه، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۷۷.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، العین، قم، انتشارات هجرت.

قطبی، ثریا؛ هادوی، اصغر؛ رهنما، اکبر و باغانی، فاطمه (۱۳۹۳)، تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های اعتقادی سبک زندگی اسلامی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۱۸، شماره ۳، صص ۴۳۵-۴۵۰.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹)، دانش‌نامه امیر المومنین علیه‌السلام بر پایه قرآن و حدیث و تاریخ، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۹۰)، دین و سبک زندگی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).